

دولت و ملت، همدلی و همزبانی

دکتر رضا عیسی‌نیا*

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران از زمان تأسیس تاکنون، با مشکلات فراوانی، از جمله: درگیری‌ها و آشوب‌های ترکمن صحرا، کردستان، آذربایجان و خلق عرب، جنگ عراق علیه ایران و مشکلات اقتصادی و مسائل نگران‌کننده‌ای چون تروریسم، مواجهه بوده است؛ ولی با رهبری بادرایت امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری و با همکاری و همیاری ملت شریف، توانست بر تمامی مشکلات چیره آید؛ به طوری که هرچه جمهوری اسلامی جلوتر رفت، نقشه‌های دشمنان برای شکست انقلاب عظیم، پیچیده‌تر شد و البته تیزبینی‌های رهبر، توأمان با همراهی مردم در خنثا نمودن آن، موفق بوده است. بنابراین، نباید هیچ‌وقت دشمن را بی‌برنامه فرض نمود؛ بلکه همیشه باید نسبت به دشمن، هوشیار و اهل تدبیر بود.

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

با توجه به مسائل و چالش‌های مهمی که رهبری مشاهده می‌کردند، سال ۱۳۹۴ را «سال همدلی» نامیده‌اند؛ سالی که اوضاع حساسی در ایران، منطقه و جامعه جهانی حکم فرما می‌باشد؛ چون از سوی جمهوری اسلامی ایران با فرصت‌هایی چند همراه است؛ مانند همراهی مردم با نظام و هدف‌های آن در انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان، نیز پیشرفت‌های علمی که در دوران تحریم به وجود آمده است؛ اما از سوی دیگر، با چالش‌هایی چون: تحریم در قالب مذاکرات هسته‌ای، تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و نیز اختلاف‌ها و منازعه‌ها بین ملت‌های مسلمان در کشورهای جهان اسلام روبه‌رو هستیم.

برای مقابله با دشمنان، ایستادگی در برابر توطئه آنان و رفع اختلاف‌های جناحی و گروهی، کاهش شکاف‌های اجتماعی و بی‌اعتمادی، به وحدت و یکپارچگی و همنوایی و اعتماد هرچه بیشتر دولت با مردم، و مردم با دولت، و حتی قوای سه‌گانه نیازمند می‌باشیم. در همین راستا، با درایت رهبر فرزانه، امسال به «سال همدلی» نامگذاری شد تا بتوان به ایرانی مقتدر، عزیز و با شکوه دست پیدا کرد. دست‌یافتن به آرزوهایی چون: پیشرفت اقتصادی، اقتدار و عزت منطقه‌ای و بین‌المللی، جهش‌های علمی و نیز عدالت قضایی و اقتصادی، فقط به واسطه همکاری‌های صمیمانه میان ملت و دولت تحقق خواهد یافت.

در رویکرد جامعه‌شناسی، با پنج نهاد اجتماعی مواجه هستیم:

۱. خانواده؛ ۲. آموزش؛ ۳. اقتصاد؛ ۴. دولت (سیاست)؛ ۵. دین. در این میان، نهاد خانواده، کوچک‌ترین نهاد اجتماعی، و نهاد دولت، عالی‌ترین نهاد است و هر یک برای تحقق و استمرار خویش، نیازمند همدلی می‌باشند؛ مثلاً همدلی در نهاد خانواده، موجب درک احساس‌های قلبی اعضای خانواده می‌شود. در سایه همدلی مشکلات زندگی با موفقیت پشت سر گذاشته می‌شود. در نهاد دولت نیز تحقق سیاست‌های کشوری، همچون سیاست داخلی و خارجی یا سیاست اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، در گرو همدلی و هم‌بانی بین دولت و مردم یا همدلی بین دولتمردان قوای سه‌گانه با یکدیگر ممکن خواهد بود.

برای رسیدن به همدلی، باید دولت و ملت به اصولی پایبند باشند تا بتوانند به آن نایل آیند؛ از جانب دولت، اصولی چون: شفافیت، قانون و قانون‌مداری، پاسخگویی، عدالت و عدالت‌ورزی، مسئولیت‌پذیری، اعتماد سیاسی، وفای به عهد و امانت‌داری و مشورت، و از

مجلس بیست و هشتم: دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی ■ ۳۶۳

جانب ملت، اصولی همچون: مشارکت، احساس برابری، وفاداری به حکومت، خیرخواهی، پایبندی به رأی‌دادن و مطیع‌بودن در برابر قانون. عملی‌سازی این اصول، مساوی است با دستیابی به نظامی که حیات سیاسی و اجتماعی‌اش بر پایه همدلی پایه‌گذاری شده باشد که پیامدهایی مانند: نشاط، امیدواری، اطمینان و توسعه پایدار را خواهد داشت.

معنای هم‌زبانی و همدلی

در رویکرد روان‌شناسی، همدلی (Empathy) یعنی اینکه احساس طرف مقابل را درک کنیم و مسائل را نه از منظر خودمان، بلکه از نگرش و دنیای فرد دیگری بنگریم؛ اما برای بیان معنای همدلی از نظر جامعه‌شناختی، از اشعار مولانا مدد می‌گیریم. در دفتر سوم ضمن بیان داستان همدی یا مرغان و حضرت سلیمان علیه السلام، می‌سراید:

چون سلیمان را سرآورده زدند جمله مرغانش به خدمت آمدند
وقتی حضرت به نبوت و حکومت رسید، مرغان، یعنی ملت و افراد، همگی برای خدمت به وی از یکدیگر سبقت می‌گرفتند. اینکه آن‌ها از هم گوی سبقت می‌ربودند، برای این بود که حضرت را از خویش و از جنس خود می‌دانستند:

هم‌زبان و محرم خود یافتند پیش او یکی‌یک به جان بشتافتند
جمله مرغان ترک کرده چیک‌چیک با سلیمان گشته أفصح من آخیک
وقتی مرغان یک منفعت برتر و عام و در سطح ملی را دیدند، از خوش‌وبش با همدیگر گذر کردند و با حضرت گشاده سخن می‌گفتند.

هم‌زبانی خویشی و پیوندی است مَرَد با نامحرمان چون بندی است
ای بسا هندو و ترک هم‌زبان ای بسا دو ترک چون بیگانگان
پس زبان محرمی خود دیگرست همدلی از هم‌زبانی بهتر است
غیر نطق و غیر ایما و سیجل صد هزاران ترجمان خیزد ز دل
همدلی یعنی اینکه فرد بتواند زندگی را درک کند تا بتواند انسان‌های دیگر را حتی وقتی با او بسیار متفاوت هستند، بپذیرد و به آنها احترام گذارد.

هم‌زبانی و همدلی، در کجا و با چه کسی؟

تنها با کسانی می‌توان همدل بود که به اصول و مبانی پذیرفته‌شده پایبند باشند. کسانی را که برای دشمن کار می‌کنند و مشتاق سلطه بیگانگان هستند، از دایره همدلی خارج می‌دانیم. کسانی که در قول و عمل، وحدت را می‌شکنند و در جهت خواست دشمن حرکت می‌کنند یا بلندگوی افکار و اهداف دشمنان هستند، هرگز با آنان نمی‌توان همدلی و همکاری داشت؛ اما کسی که سخن ملت را می‌گوید، از زبان ملت حرف می‌زند و در راه مصالح ملت گام برمی‌دارد و استقلال ایران و پیشرفت علمی ملت برایش دارای اهمیت است، شایسته همدلی است.^۱

با کسانی و در فضایی می‌توان به سوی همدلی یا رفتارهای همدلانه گام برداشت که ویژگی‌های زیر را داشته باشند:

۱. دوست داشتن مردم جامعه؛
۲. تحمل افراد کشور با رویکردهای مختلف و حتی مخالف؛ اما پایبند به اصول؛
۳. روابط بین مردم، بدون پرخاشگری؛
۴. احترام قایل شدن برای اعضای جامعه یا شهروندان؛
۵. شنونده خوب بودن؛
۶. احترام نهادن به دیگران؛
۷. خودآگاهی و خودشناسی بیشتر؛
۸. صادق بودن؛ یعنی نقش بازی نکردن برای رسیدن به اهداف و نقاب بر چهره نداشتن؛
۹. درک نیازها و توانمندی‌های طرف مقابل؛
۱۰. تحمل افراد مختلف و مخالف و پذیرش آنها همان‌گونه که هستند؛
۱۱. تحمل آرای مخالف.

۱. برداشتی از بیانات مقام معظم رهبری در مراسم هفدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی علیه السلام.

مبانی و اصول همدلی دولت و ملت

دولت و ملت باید زبان «محرمی» پیدا کنند؛ چون به تعبیر مولانا، زبان محرمی، زبان دیگر است که بر پایه همدلی اتفاق می‌افتد؛ نه بر پایه خون و نژاد یا گروه‌بازی‌ها. زبان محرمی، دنبال ایران برای ایرانیان است و نه برای گروه خاص و یا فلان جناح سیاسی. پس، وقتی دولت و ملت به این مرتبه از همبستگی و انسجام رسیدند، دیگر نیازی نخواهد بود که دولت‌ها با ابزارهایی چون: زر، زور و تزویر، و ملت‌ها بر مبنای رشوه، ریاکاری و نیرنگ با هم بده‌بستان داشته باشند و یا خواسته‌هایشان را از همدیگر طلب نمایند؛ بلکه وقتی به زبان محرمی و همدلی مجهز شدند، از ابزاری غیر از نطق، ایما و سجل (ضبط و نوشته)، با هم مرادده خواهند داشت که در آن لحظه، می‌توان این شعار مولانا را مطرح کرد: «صد هزاران ترجمان خیزد ز دل».

اصول و مبانی همدلی کدام‌اند و برای تحقق همدلی میان دولتمردان و شهروندان، نیازمند عملی کردن چه اصولی از طرف دولت یا ملت می‌باشیم؟ پاسخ را در دو سطح دنبال می‌کنیم: ۱. اصولی را که دولت و دولتمردان باید رعایت کنند؛ ۲. اصول و مبانی‌ای که ملت باید به آن پایبند باشند.

الف. اصولی و مبانی دستیابی دولت به همدلی

اگر این اصول از طرف دولت رعایت گردد، نظام سیاسی به همدلی دست پیدا خواهد کرد و با رسیدن به همدلی، پایداری نظام تضمین خواهد شد؛ برخی از اصول، عبارت‌اند از:

۱. شفافیت

شفافیت، بیانگر ایجاد اعتماد متقابل بین حکومت و عامه مردم از طریق تأمین اطلاعات و تضمین دسترسی آسان به اطلاعات لازم و کافی می‌باشد. شفافیت، یعنی آزاد گذاشتن جریان اطلاعات و قابل دسترس بودن آن برای همه کسانی که در ارتباط با تصمیمات هستند. درباره این اصل می‌توان به سخنان رهبری در باره توافقات لوزان اشاره داشت. ایشان به مسئولان تأکید می‌کنند که باید مردم و به‌خصوص نخبگان را در جریان جزئیات مذاکرات هسته‌ای قرار دهند و آنها را از واقعیات آگاه کنند؛ زیرا هیچ چیز محرمانه‌ای وجود ندارد؛

چون در جریان قرارداد مردم و نخبگان از جزئیات، مصداق همدلی مسئولان با مردم می‌باشد و این یعنی اصل شفافیت. رهبر معظم انقلاب می‌فرماید:

«همدلی، یک موضوع دستوری نیست؛ بلکه باید آن را به وجود آورد و رشد داد که شرایط کنونی، فرصت مناسبی برای به‌وجود آمدن همدلی با مردم است.»^۱ البته شفاف‌سازی بدین معنا نیست که مسائل امنیتی و اسرار و اطلاعات نظامی کشور در اختیار همگان قرار گیرد چراکه این کار، ضررهای جبران‌ناپذیری در پی خواهد داشت.

۲. قانون‌مداری

قانون و قانون‌مداری، یعنی اجرای قوانینی که برای همه سودمند است و استثنایی بین شهروندان قائل نبودن، آن هم بر اساس حقوق پایه انسانی و ملاحظه ارزش‌های متداول سخت‌گیری در اجرای قوانین. یکی از تعهدات دولت به شهروندان، بازستاندن حقوق ستمدیدگان از ستمگران می‌باشد.^۲

۳. پاسخگویی

تصمیم‌گیران بخش دولتی، خصوصی و مدنی، باید در برابر عموم مردم پاسخگو باشند. در تفکر اسلامی، حکمرانی و مدیریت، به مفهوم امانت‌داری و خدمت‌گذاری است و هیچ‌گونه سلطه‌جویی و تحکّم در آن راه ندارد. از این‌رو، زمامداران و کارگزاران، امین و پاسدار حقوق مردمان و در برابر آنان مسئول و پاسخگو می‌باشند.

مقام معظم رهبری ضمن اینکه ملت را کارفرما و ولی نعمت انقلاب و دولت را کارگزار معرفی می‌کند، می‌فرماید: «کارگزار و کارفرما، ویژگی‌هایی دارند که مهم‌ترین آنها، گزارش‌دهی و شفاف‌سازی و پاسخگویی کارگزار نسبت به کارفرماست.»^۳ شاید بر همین اساس بود که ایشان سال ۱۳۸۳ را سال پاسخگویی سه قوه نامگذاری نمودند.

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، سخنان رهبر معظم انقلاب درباره مسئله هسته‌ای و تحولات

یمن، نشانی صفحه اینترنتی: <http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=contentShow&id=۱۳۰۶۰>

۲. در این باره، امام علی علیه السلام می‌فرماید: «أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَنْ لَا يُقَارُوا عَلَى كَظْمِ ظَالِمٍ وَلَا سَعْبِ مَظْلُومٍ؛ خداوند از دانایان پیمان گرفته که در صورت قدرت، در مقابل شکم‌بارگی ستمگران و بی‌نواپی ستمدیدگان خاموش نشینند.» (ر.ک: نهج البلاغه، خطبه ۳)

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت حلول سال ۱۳۹۴ش، نشانی صفحه اینترنتی:

<http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=bayanat&id>

۴. عدالت‌ورزی

عدالت، یعنی اینکه دولت جهت بهبود رفاه شهروندان، فرصت‌هایی برابر را برای همگان فراهم نماید. در ادبیات اسلامی، سیاست ملاک دارد و مهم‌ترین ملاکش، عدالت است؛ حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «مِلَاكُ السِّيَاسَةِ الْعَدْلُ؛^۱ معیار سیاست، عدالت است.» ادبیات سیاسی‌ای که شیعه به دنبال آن است، نفی سلطه و برتری‌جویی حاکم می‌باشد؛ چراکه علی علیه السلام به مالک اشر می‌گوید: «مبادا بگویی اکنون بر آنان مسلطم، از من فرمان‌دادن است و از آنان اطاعت کردن؛ زیرا چنین گفتاری، عین راه‌یافتن فساد در دل و خرابی در دین و نزدیک شدن تغییر و تحول [در قدرت] است.»^۲ حضرت برپا داشتن عدالت را عامل ثبات نظام‌ها دانسته: «ثَبَاتُ الدَّوْلِ بِإِقَامَةِ سُنَنِ الْعَدْلِ؛ ثبات و پابرجا بودن دولت‌ها، به برپاداشتن عدالت است.»^۳ و «هرگز چیزی چون عدالت‌ورزی، دولت‌ها را حفظ نمی‌کند و مستحکم نمی‌دارد.»^۴ اصولاً «عدالت، نظام‌بخش حکومت^۵ و نگهدارنده مردم است.»^۶

۵. مسئولیت‌پذیری

مدیران حکومتی نسبت به خواسته‌های عمومی حساسیت داشته باشند و تلاش نمایند رذایل، یعنی: فقر، بیکاری، دروغ و حسد، از جامعه زدوده شود و در عوض، فضایل اخلاقی پایه همبستگی اجتماعی و سیاسی قرار گیرد. درباره مسئولیت انسان، در فرهنگ اسلامی توصیه‌های بسیاری شده است؛ از جمله امام علی علیه السلام می‌فرماید: «از خدا بترسید درباره بندگان خدا و شهرهای او؛ زیرا حتی نسبت به سرزمین‌ها و چارپایان مسئول هستید.»^۷ آدمی با سه نوع مسئولیت مواجه است:

۱. جمال‌الدین محمد خوانساری، شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج ۶، ص ۱۱۶.

۲. محمد دشتی، ترجمه نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۵۶۷.

۳. خوانساری، شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج ۳، ص ۳۵۲.

۴. همان، ج ۵، ص ۷۰.

۵. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الْعَدْلُ نِظَامُ الْأُمَّةِ.» (ر.ک: شرح غرر الحکم، ج ۱، ص ۴۰)

۶. همان، ص ۳۷: «الْعَدْلُ قَوَامُ الرَّعِيَّةِ.»

۷. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ.» (ابن

ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۲۸۸، خطبه ۱۶۸؛ فیض الاسلام، نهج البلاغه، ص ۵۴۴، خطبه

۱۶۶؛ صبحی صالح، نهج البلاغه، ص ۲۴۲، خطبه ۱۶۷)

۱. **مسئولیت در مقابل وجدان خود:** در این باره گفته شده که هرکس قدر خویشتن را شناخت، خود را به سبب امور فناشونده به پستی نمی‌کشاند.^۱ رستگاری انسان، به پاک نگه‌داشتن نفس^۲ از هر نوع پلشتی و بدکاری است.

۲. **مسئولیت در برابر اجتماع:** در فرهنگ اسلامی در باب مسئولیت در مقابل اجتماع، در پنج سطح سفارش شده است:

الف. احساس مسئولیت کردن و احترام گذاشتن به مال، جان و ناموس یکدیگر. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «احترام جان‌ها و اموالتان بر یکدیگر، مانند احترامی است که امروزتان در این ماه و این سرزمین دارد؛ تا روزی که خدا را ملاقات کنید و از اعمالتان پرس‌وجو کند.»^۳

ب. تعاون و همکاری، دومین سطح از سطوح مسئولیت در مقابل اجتماع می‌باشد که خداوند به آن سفارش نموده است.^۴ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «مسلمان، سی حق برگردن برادر مسلمانش دارد... باید او را یاری رسانده، اگر ظالم است، او را از ستم باز دارد و اگر مظلوم است، برگرفتن حقش کمک کند.»^۵

ج. شهروند مسلمان باید در رفع گرفتاری افراد جامعه احساس مسئولیت کند.^۶

د. امر به معروف و نهی از منکر. خداوند می‌فرماید: «مردان و زنان مؤمن، همه یاور و دوستدار یکدیگرند. خلق را به کار نیکو وادار و از کار زشت منع می‌کنند.»^۷

۱. رک: خوانساری، شرح غررالحکم، ج ۵، ص ۳۳۵. امام علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «مَنْ عَرَفَ قَدْرَ نَفْسِهِ لَمْ يُهِنَّا بِالْفَانِيَاتِ.»

۲. رک: شمس، آیه ۹ - ۱۰: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا، وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا؛ هرکس نفس ناطقه خود را از گناه و بدکاری پاک و منزّه سازد، به یقین [در دو عالم] رستگار خواهد بود. و هرکه او را [به کفر و گناه] پلید گرداند، البته [در دو جهان] زیانکار خواهد گشت.»

۳. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۸۸.

۴. مانده، آیه ۲: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ.»

۵. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۵۰.

۶. همان، ص ۱۳۱: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ وَمَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَالْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ.»

۷. توبه، آیه ۷۱: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ.»

مجلس بیست و هشتم: دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی ■ ۳۶۹

ه خدمات‌رسانی. بندگان، عیال خدا هستند. بهترین فرد نزد خدا، کسی است که بیشتر به عیال خدا سود برساند و خانواده‌ای را خوشحال کند.^۱

۳. **مسئولیت در مقابل خدا:** شامل تکالیفی می‌شود که از ناحیه الهی بر عهده انسان قرار گرفته است؛ مانند انجام واجبات و ترک محرمات.

۶. اعتماد سیاسی

یکی دیگر از اصولی که دولت جهت گام برداشتن به سوی همدلی باید رعایت کند، «اعتماد» می‌باشد. اعتماد سیاسی، ارتباط نزدیکی با کارآمدی حاکمان دارد و بیانگر درجه‌ای از انتظار شهروندان از توانایی و موفقیت حاکمان است که متناسب با انتظار مردم باشد.^۲

اعتماد و جلب نظر مردم، از امور لازم است؛ چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دنبال این بود که مردم را به سوی دین و روش نیکو جلب کند.^۳ سیاست‌ورزی در دنیای امروزی به گونه‌ای است که بدون اعتماد نمی‌توان پای در قلمرو سیاست گذاشت. کارآمدی دولت‌ها و نهادهای حکومتی، تا اندازه چشمگیری در گرو اعتماد شهروندان به آنها و در نتیجه، همکاری بهتر با آنان است. اعتماد سیاسی معمولاً سه متعلق دارد: ۱. نظام سیاسی؛ ۲. نهادهای سیاسی؛ ۳. کنشگران سیاسی. هریک از این سه سطح اعتماد، ممکن است به صورت‌های مختلفی در جوامع بروز کند.^۴ تنها راه جلوگیری از فساد اداری و خیانت در بیت المال، پس از ایمان محکم، احساس بی‌نیازی است و این وظیفه دولت است تا به صورت آشکار یا پنهان آن را در احاد کارمندان و شهروندان ایجاد کند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «پس، بر کارهای آنان مراقبت دار و در پنهان کسانی را که راستگو و وفایسته‌اند، بر آنان بگمار؛ زیرا مراقبت پنهانی، بیشتر آنان را به پاکی و امانت‌داری و می‌داند و بهتر می‌توانند به مردم مهربانی کنند؛ یعنی حُسن خدمت نشان دهند.»^۵

۱. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۶۴: «الْخَلْقُ عِيَالُ اللَّهِ فَأَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ مَنْ نَفَعَ عِيَالَ اللَّهِ وَأَدْخَلَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ سُرُورًا.»
۲. محمدباقر خرمشاد، مردم‌سالاری دینی، ج ۳، ص ۲۷۹.
۳. امام خمینی علیه السلام، صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۲۵۱.
۴. منظور از اعتماد سیاسی، میزان اعتمادی است که شهروندان به رهبران و نهادهای سیاسی مربوط به حکومت دارند.
۵. محمدهادی معرفت، مقاله «حقوق متقابل مردم و حکومت»، دانشنامه امام علی علیه السلام، ص ۱۹۴؛ صبیحی صالح، نهج البلاغه، نامه ۵۳.

حکمرانان باید توجه داشته باشند که «هیچ وسیله‌ای برای جلب اعتماد والی به رعیت، بهتر از نیکوکاری به مردم و تخفیف مالیات و عدم اجبار مردم به کاری که دوست ندارند، نمی‌باشد.»^۱ به جهت اهمیت اصل اعتماد در همدلی است که رهبر فرزانه جمهوری اسلامی می‌فرماید:

«هرچه بین ملت و دولت صمیمیت بیشتر و همکاری بیشتر و همدلی بیشتری باشد، کارها بهتر پیش خواهد رفت. باید به یکدیگر اعتماد کنند؛ هم دولت، ملت را به معنای واقعی کلمه قبول داشته باشد و ارزش و اهمیت و توانایی‌های ملت را به‌درستی بپذیرد، هم ملت به دولت که کارگزار کارهای اوست، به معنای حقیقی کلمه اعتماد کند.»^۲

۷. وفای به عهد و امانت‌داری

در باور اسلامی، یکی از اصول همدلی دولت، داشتن بینش امانت الهی است؛ یعنی دولت خوب، دولتی است که حکومت را طعمه خود نداند؛ بلکه حکومت را امانت الهی بداند.^۳ بر اساس این بینش و باور است که استاد شهید مرتضی مطهری در تفسیر آیه امانت می‌نویسد: «قرآن کریم، حاکم و سرپرست اجتماع را به‌عنوان امین و نگهبان اجتماع می‌شناسد و حکومت عادلانه را نوعی امانت که به او سپرده شده و باید ادا نماید، تلقی می‌کند.»^۴

۸. مشورت

خداوند سبحان در سوره آل عمران^۵ درباره مشورت، آیه‌ای را نازل کرده که بیانگر سه دستور برای دولتمردان می‌باشد.

۱. محمد دشتی، ترجمه نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۰۶.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت حلول سال ۱۳۹۴ش، نشانی صفحه اینترنتی:

<http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?>

۳. همان‌گونه که علی علیه السلام می‌فرماید: «وَإِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ وَلَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ.» (صبحی صالح، شرح نهج البلاغه، ص ۳۶۶، نامه ۵؛ ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۴، ص ۳۳، نامه ۵؛ فیض الاسلام، نهج البلاغه، ص ۸۳۹، نامه ۵)

۴. مرتضی مطهری، سیری در نهج البلاغه، ص ۹۱.

۵. آل عمران، آیه ۱۵۹: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ؛ رحمت خدا، تو را با مردم مهربان گردانید و اگر تندخو و سخت دل بودی، مردم از اطراف پراکنده می‌شدند. از مردم درگذر و برای آنان از خدا طلب آموزش کن و برای دلجویی‌شان در کار جنگ با آنان مشورت نما؛ ولی آنچه خود تصمیم گرفتی، با توکل به خدا انجام بده.»

مجلس بیست و هشتم: دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی ■ ۳۷۱

الف. ملایمت و ملاحظت و دوری از هرگونه بدخویی. این کار، پایه و اساس جذب نیروهای مردمی و مایه جلوگیری از یأس و طرد آنان می‌شود.

ب. چشم‌پوشی از ناروایی‌هایی که گاهی از برخی سر می‌زند و طلب آمرزش برای آنان. این امر، مایه دلگرمی همگان می‌شود.

ج. مشورت مستمر با مردم. این کار، نور امید را بر دل‌ها می‌تاباند و همگان را به حضور در تمامی صحنه‌های سیاسی وا می‌دارد. حضور همیشگی مردمی، نیرومندترین پشتوانه استواری نظام حاکم است؛^۱ محقق نائینی می‌گوید:

«چقدر از مدالیل کتاب و سنت و احکام شریعت و سیره پیامبر و امام خود بی‌خبریم و به جای آنکه شورای عمومی ملی را «هذه بضاعتنا ردت إلینا» بگوییم، با اسلامیت مخالفش می‌شماریم.»^۲

ب. اصولی و مبانی دستیابی ملت به همدلی

ملت برای عملی‌سازی همدلی، لازم است که به اصولی باور داشته باشد و در تحقق و عینی‌سازی آن تلاش کند. عمده‌ترین اصول و شاخص‌های الگوی همدلی ملت عبارت‌اند از:

۱. مشارکت

«مشارکت سیاسی که برجسته‌ترین گونه مشارکت محسوب می‌شود، در واقع، ورود به عرصه انتخاب‌شدن یا انتخاب‌کردن به منظور دخالت در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی‌های خرد و کلان سیاسی که با سرنوشت جامعه ارتباط دارد، می‌باشد. مشارکت سیاسی، از رأی‌دادن شروع می‌شود و در سطوح بعد، به صورت علاقه‌اندک به سیاست، مشارکت در بخش‌های سیاسی غیررسمی، عضویت انحصالی در یک سازمان شبه‌سیاسی، جست‌وجوی مقام سیاسی یا اداری، ادامه می‌یابد.»^۳ این مفهوم، با مهم‌ترین مباحث مربوط به علم سیاست، نظیر: احزاب، گروه‌های فشار، رابطه مردم و حکومت، جامعه مدنی، پیوند عمیق و ناگسستگی دارد.

۱. محمدهادی معرفت، مقاله «حقوق متقابل مردم و حکومت»، دانشنامه امام علی علیه السلام، ص ۱۹۵.

۲. محمدحسین نائینی، تنبیه الأمة و تنزیه الملة، ص ۸۵.

۳. گی روشه، کنش اجتماعی، ترجمه زنجانی‌زاده، ص ۲۸.

مشارکت سیاسی، مقوله‌ای تشکیکی است که مصادیق آن از نظر مرتبه، با یکدیگر به لحاظ صرف وقت و هزینه متفاوت است؛ مشارکت‌هایی همچون عضویت در احزاب سیاسی و شرکت در راهپیمایی‌ها، اعتصاب و تحصن، وقت‌گیر و پرهزینه‌اند. در مقابل، مشارکت انتخاباتی که متداول‌ترین نوع مشارکت می‌باشد، با صرف هزینه‌ای ناچیز و با حضور در پای صندوق آرا محقق می‌گردد. بر همین اساس است که امام راحل و مقام معظم رهبری بارها بر مشارکت سیاسی همگان تأکید نموده‌اند. این مشارکت سیاسی که در عرصه‌های مختلف مانند شرکت در راهپیمایی‌ها و انتخابات نمود پیدا می‌کند، همدلی مردم و دولت را به نمایش می‌گذارد.

۲.۱. احساس برابری

فرهنگ اسلامی، به تساوی افراد در بهره‌مندی در بیت‌المال شعار داده و در صدد اجرای چنین فرهنگی است؛ امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«از آدم ابوالبشر فرزندی به عنوان غلام یا کنیز متولد نگردیده، تمام فرزندان او از روز نخست آزاده بودند... اکنون قدری از اموال نزد من است و میان سفید و سیاه، برده و آزاده، فرق نخواهم گذاشت و آن را به طور مساوی تقسیم می‌کنم.»^۱

امام خمینی رحمته الله در باره مراعات حقوق دیگران می‌گوید:

«در اسلام، مابین اقشار ملت‌ها هیچ فرق نیست. در اسلام، حقوق همه ملت‌ها مراعات شده است، حقوق مسیحین مراعات شده است، حقوق یهود و زرتشتیان مراعات شده است. تمام افراد عالم را، بشر می‌داند و حق بشری برای آنها قائل است.»^۲

جامعه‌ای که مدعی است بر مبنا و اصول دینی، آن هم اسلام زندگی می‌کند، در آن باید همه انسان‌ها برابر باشند و مال، قبیله، نسب، رنگ و مقام نباید تأثیری در ماهیت انسانی آنها داشته باشد. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«وَمَا الْجَلِيلُ وَاللَّطِيفُ وَالثَّقِيلُ وَالْخَفِيفُ وَالْقَوِيُّ وَالضَّعِيفُ فِي خَلْقِهِ إِلَّا سَوَاءٌ؛ همه موجودات: سنگین و سبک، بزرگ و کوچک، نیرومند و ضعیف، در اصول حیات و هستی یکسان‌اند.»^۳

۱. محمدباقر محمودی، نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۸۶؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه،

ج ۱۱، ص ۸۱ - ۸۲.

۲. امام خمینی رحمته الله، صحیفه امام، ج ۶، ص ۲۶۸.

۳. محمد دشتی، ترجمه نهج البلاغه، خطبه ۱۸۵، ص ۲۵۶؛ همچنین ر.ک: نهج البلاغه، ص ۴۰۲ - ۴۰۴،

نامه ۵۳.

۳. وفاداری به حکومت

یکی دیگر از اصول همدلی ملت، وفاداری به حکومت می‌باشد. شهروندان باید در پیمان‌شان وفادار باشند. دولتی قدرتمند است که وفاداری شهروندان را داشته باشد. برخی بر این باورند که آیه «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ»^۱ به این مطلب اشاره دارد که اگر شهروندان از مساعدت شایسته در راه پیشرفت و اقتدار نظام دریغ کنند، با دست خود موجبات نابودی خویش را فراهم کرده‌اند.^۲

۴. خیرخواهی

یکی دیگر از اصول همدلی شهروندان، خیرخواهی برای مسئولان می‌باشد. بر شهروندان است که کاستی‌های دولت را به دولتمردان هشدار بدهند؛ چون در فرهنگ اسلامی، یکی از سه دستور پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مردم، نسبت به دولتمردان است که فرموده: «الْصَّيْحَةُ لِأَيِّمَةِ الْمُسْلِمِينَ». پس، بر شهروندان است که به دور از هر آلاشی، به مسئولان اندرز پاک دهند.^۳ در این باره مقام معظم رهبری در سخنان نوروز سال ۱۳۹۴ ش فرمودند:

«من، هم به مردم این توصیه را عرض می‌کنم که با دولت بایستی مهربانانه و با نگاه همراهی و همدلی سخن گفت. هم به مسئولان کشور، در سه قوه، این را تأکید می‌کنم که آنها هم باید با منتقدان خود و با کسانی که از آنها انتقاد می‌کنند، رفتار مناسبی داشته باشند، آنها را تحقیر نکنند، به آنها اهانت نکنند.»

۵. پابندی به رأی‌دادن و پیروی از قانون

پابندی به رأی‌دادن و مطیع بودن در برابر قانون، یکی دیگر از اصول همدلی شهروندان است. امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «إِذَا وَلَّيْنَاكُمْ ضَرْبَانَهُم بِالسُّوْطِ، فَانْتَهُوا وَإِلَّا ضَرْبَانَهُم بِالسَّيْفِ عَلَيْهِ؛^۴ اگر سلطه و قدرت در دست ما بود، کسانی را که تن به مقررات نمی‌دادند، با تازیانه وادار به تسلیم می‌کردیم و اگر علاج نمی‌شدند، شمشیر به کار می‌بردیم.»

۱. بقره، آیه ۱۹۵: «و انفاق کنید در راه خدا از مال خود؛ نه به حد اسراف تا از بی چیزی به خطر و مشقت بیفتید.»

۲. محمدهادی معرفت، مقاله «حقوق متقابل مردم و حکومت»، دانشنامه امام علی عَلَيْهِ السَّلَام، ص ۲۱۶.

۳. همان، ص ۲۱۷؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۶۶، ح ۵.

۴. محمدهادی معرفت، مقاله «حقوق متقابل مردم و حکومت»، دانشنامه امام علی عَلَيْهِ السَّلَام، ص ۱۹۰؛ حرّ

عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۲۱۰.

پیامدهای همدلی دولت و ملت

- پیشگیری از رفتارهای ناخوشایند دولت یا ملت؛ زیرا هر دو به یکدیگر اعتماد داشته و نگران رفتار و عمل هم می‌باشند؛
- بالا رفتن اعتماد و اطمینان طرفین و به‌وجود آمدن احساس خوشایند و مثبت و همراه شدن زندگی با نشاط؛
- اگر حیات سیاسی بر پایه همدلی استوار شود، مساوی است با عقل جمعی؛ که اخذ تصمیمات صحیح‌تر را به دنبال خواهد داشت؛
- چون ملت به حاکمان و حکام به ملت اعتماد و اطمینان دارند، از بسیاری تعارض‌ها و سوء تفاهم‌ها جلوگیری خواهد شد؛
- موجب اعتماد به نفس ملت و دولت و به‌عبارتی موجب تحقق خودباوری در برطرف کردن مشکلات خواهد شد؛
- همدلی، باعث امنیت روانی و آسایش خاطر طرفین خواهد شد؛
- میل به شرکت در فعالیت‌های گروهی را افزایش خواهد داد؛
- موجب عمران و توسعه سیاسی و آبادانی اقتصادی و رشد فرهنگی و انسجام اجتماعی خواهد شد؛
- و